

آب تپه

مدرس شعر عاشورائی

شاعر

علیرضا صفائی

www.ketab.ir



سنگر تمشا

شناختنامه

سرشناسه: صفای، علیرضا، ۱۳۶۷
عنوان و نام پدیدآور: آب تشنه، مجموعه شعر عاشورایی / شاعر علیرضا صفای
مشخصات نشر: جویبار: تماشا، ۱۳۹۰
ملاحظات ظاهری: ۶۴ ص، رقمی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۳۰۸-۶-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴
موضوع: شعر مذهبی - قرن ۱۴
رده بندی گنگره: PIR۸۱۳۴/ف۳۳۳۷ ۲۲ ۱۳۹۰
رده بنده دیویی: ۸۵۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۷۴۲۲۰
ناشر: تماشا
طراح جلد: حمید پورشریف
گروه نمونه خوانی: مهیار خاکی - جواد کاشی
نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۰
تیراژ: ۲۰۰ نسخه
قیمت: ۲۰۰ تومان
چاپخانه: شهر
مسئول چاپ: احمد محمدیان

مرکز پخش:

مازندران - جویبار - خ امام خمینی - خ شهید دهقان - کوچه لاله - انتشارات تماشا

تلفن تماس: ۰۱۱۲۳۲۳۲۹۹۰ - ۰۹۱۱۱۲۹۲۹۹۰

مازندران - بابل - خ امام خمینی - جنب مسجد جامع - مرکز فرهنگی سردار شهید حاج بصیر

تلفن تماس: ۰۱۱۲۳۲۰۳۷۲ - ۰۱۱۲۲۹۸۱۵۵

فهرست

۶	 پیشگفتار
۸	 مقدمه
۱۴	 «جرعه‌ی اول»
۱۷	 «جرعه‌ی دوم»
۲۰	 «جرعه‌ی سوم»
۲۳	 «جرعه‌ی چهارم»
۲۶	 «جرعه‌ی پنجم»
۲۹	 «جرعه‌ی ششم»
۳۲	 «جرعه‌ی هفتم»
۳۵	 «جرعه‌ی هشتم»
۳۸	 «جرعه‌ی نهم»
۴۱	 «جرعه‌ی دهم»
۴۴	 «جرعه‌ی یازدهم»
۴۷	 «جرعه‌ی دوازدهم»
۵۱	 ترکیب بند محتشم کاشانی

پیغمبر

ای بستگان تن به تماشای جان روید
تا آخر رسول گفت: تماشا مبارک است

(مولوی)

بی گمان شعر آینه است که هر کس تصویر خویش را در آن
می نگرد و این تصاویر همه را خودمانند نه از آینه، اوست که همه را
می نمایاند غیر از خود را و شاید برای تماشای آینه ها نیز باید آینه های
ساخت اما این بار نه از جنس نیوه بلکه از ماه و چشم و دریا .
از آن روز که آینه ام مجال تماشا یافت بر پای چشم شدم و سکوت،
شعله هایی از جانم زیانه می کشید و آینه مرا محبت آن اصحاب
الکھف والرقیم کانوا من آیاتنا عجبا در فضای منم می پدید که به
حق عجیب حادثه ای است و عمیق زخمی که خدایش خون جگر است
و رجعت، مرهمش. برای لحظاتی چشمانم با نگاه محتشم کشیدی
گره خورد و آینه ام فرا روی ترکیب بندش قرار گرفت، آنچه که
می دیدم چیزی نبود جز آب تشنه.

ضمن تشکر و قدردانی از بزرگواری‌های جناب استاد محمد علی مجاهدی (پروانه) و مهربانی‌های محقق ارجمند و شاعر متعهد، طریقه پرداز مکتب شعر دینی در ایران جناب استاد سید علی اصغر موسوی که با نقدی تیزبینانه و ذوقی سرشار، ما را مورد عنایت قرار داده‌اند، استوارم که اهالی شعر و شعور نارسایی‌های بیانی این مجموعه را بخشایند چرا که هم‌زمانی با شاعری دیگر کاری دشوار می‌باشد. این تلاش مختصر مورد قبول حضرات معصومین علیهم‌السلام قرار گیرد و تا همیشه نجوای عاشقانه‌ی مان این جمله باشد که (آب الخلق الیکم وحسابهم علیکم وفصل الخطاب عندکم)

عابد صفا

تابستان ۱۳۸۰ خورشیدی

مازندران

مقدمه

هو الجمیل

بعد از تولد دین اسلام توسط ایرانیان و حضور اندیشمندان مسلمان، به خصوص تشریف فرمایی عالم آل محمد (ص)، حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا (ع) به خطه خراسان بزرگ، ایشان که همچون خورشید باعث تفکیک نور از ظلمت شد؛ اندیشمندان ایرانی و علاقه‌مندان سادات مقدس آل بیت (ع) و مکتب ولایت، در ایران انقلابی عظیم در علوم کلامی و نظری به وجود آوردند.

به‌خصوص عرفان اسلامی که بعدها، مکتب عرفانی خراسان حتی اندیشمندان جهان اسلام را تحت تاثیر قرار داد. البته منظور بنده از عرفان اسلامی، تصوف سالوس‌پرور بدعت‌گستر نبود؛ بلکه روح عارفانه‌ای که در کالبد علوم مختلف اسلامی دمیده شد، باعث رشد آمدن بزرگ‌ترین آثار در حوزه فرهنگ و ادب ایرانی بود.

آثار شاعران گرانقدری همچون:

حکیم کسایی مروزی (۳۴۱-۳۹۴)

دست از جهان بشویم، عز و شرف نجویم